

مفعول مطلق

مفعول مطلق

مفعول مطلق:

گاهی در جمله کلمه ای را بکار می بریم که نوع انجام فعل را بیان کرده و یا وقوع آن فعل را تأکید می‌کند و قطعیت می بخشد. ویژگی این کلمه آن است که با فعل بکار رفته در جمله هم ریشه بوده و از یک خانواده می باشد. به این چنین اسمی مفعول مطلق گفته می شود.

درواقع مفعول مطلق، مصدر همان فعل موجود در جمله است و از نظر اعراب همواره منصوب است.

«كَلَّمَ اللهُ مُوسَى تَكْلِيمًا» عَلِيكَ أَنْ تَتَفَكَّرَ فِي انْتِخَابِ صَدِيقٍ تَفَكُّرًا عَمِيقًا

۱- تأکیدی «یک اسم است»: إجتهدتُ فی دروسی إجتهداً.

۲- نوعی «بیانی» «دو اسم است که برای مفعول مطلق صفت یا مضاف الیه آمده است.»

انواع
مفعول مطلق

إجتهدتُ فی دروسی إجتهداً العالم

مضاف الیه

إجتهدتُ فی دروسی إجتهداً بالغاً

صفت

مصدر

ثلاثی مزید: (جدول تحلیل صرفی فعل)

ثلاثی مجرد: نیازی به حفظ ندارد فقط باید خوب چشمانتان را باز کنید تا هم خانواده ی فعل در جمله را تشخیص دهید.



در مفعول مطلق نوعی اگر بخواهند تست سخت بدهند
به جای صفت، جمله ی وصفیه و یا مضاف الیه را از موصولها می دهند.

أَمِنْتُ بِاللَّهِ اِيْمَانًا لَا يَزُولُ عَنِّي....
م مطلق نوعی | جمله وصفیه (صفت) | م مطلق نوعی | مضاف الیه

أَحَبُّكَ حَبِيْبًا لَا يُوَصِّفُ. «تو را دوست دارم چنان که وصف نمی شود»
م مطلق نوعی | جمله وصفیه

أَتْلُ الْقُرْآنَ تِلَاوَةً تُؤَثِّرُ فِي قَلْبِكَ! «قرآن را چنان تلاوت کن که در قلبت اثر گذارد!»
م مطلق نوعی | جمله وصفیه

قاعده ی کلی: اسم نکره + جمله وصفیه

تَكَلَّمْتُ مَعَ طَالِبَاتِي تَكَلِّمًا لَا تَتَذَكَّرِينَ
م مطلق تأکیدی | جمله جدید
این حروف جدایی می آورند:
«و - ف - أ - إِنْ - حَتَّى -...»

توجه: نباید میان اسم نکره و جمله
وصفیه حروف جدایی آور باشد چون در
این صورت دیگر جمله، جمله ی وصفیه
نیست.



حذف در مفعول مطلق

گاهی در مفعول مطلق تأکیدی فعل از جمله حذف می شود و مصدر به تنهایی باقی می ماند که مصدر در این حالت مفعول مطلق تأکیدی خواهد بود. برای فهم بهتر به مثال زیر توجه کنید:

إصبر صبراً یا أخی : صبراً یا أخی / أشکرک شکرأً : شکرأً لک / أَسْبِحْ سُبْحَانَ اللَّهِ : سُبْحَانَ اللَّهِ

مفعول مطلق هایی که اول جمله می آیند:

شکرأً (متشکرم!) - حَقّاً (به راستی، حقیقتاً) - أَيْضاً (همچنین) - جِدّاً (خیلی، بسیار)
 حمدأً - سَمِعاً و طَاعَةً (به روی چشم، اطاعت) - مَعَاذَ اللَّهِ - مَعَاذَ اللَّهِ (پناه بر خدا)
 سُبْحَانَ - سُبْحَانَ اللَّهِ - صَبْرأً - عَفْوأً - اهلاً و سهلاً

مفعول مطلق هایی آخر جمله می آیند:

حتمأً - حَقّاً - جِدّاً - أَيْضاً - كَثِيراً - محلاً - اصلاً

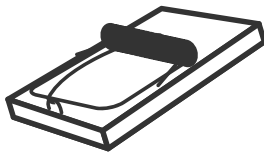
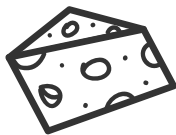
اشتباه نشود!!

أبدأ و دائماً ← مفعول فیه هستند.

نکته: از این بین «أَيْضاً»، «جِدّاً»، «سَمِعاً و طَاعَةً»، «سُبْحَانَ» و «مَعَاذَ»، همیشه و در همه حال مفعول مطلق هستند. اما بقیه ممکن است در جمله در نقش های مختلفی ظاهر شوند، پس توجه کنید که لیست حفظی «شکرأً، صبرأً و ...» نقش دیگری در جمله نداشته باشد.

مثال: إِنْئى أَحْبَبْتُ شَكَرأً

مفعول به



تله های مفعول مطلق

(نقش هایی که ممکن است با این مبحث اشتباه شود.)

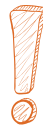
مفعول مطلق شبیه به آن	مثال تله دار	موضوع تله
أردتُ نجاحاً في الامتحان حقاً! «موفقیت در امتحان را حقیقتاً خواستم.»	طالبٌ حقاً قد سلب. «حق را که گرفته شده بود مطالبه کردم.»	مفعول به
أعطى الله الإنسان الحياة حقاً. «خداوند زندگی را به انسان حقیقتاً عطا کرده است.»	أعطى الله الإنسان حقاً. «خداوند به انسان حق را عطا کرده است.»	مفعول به دوم
شكراً! لكل نعيم! «برای همه نعمت هایت متشکرم»	إن لكل نعمة شكراً! «همانا برای هر نعمتی شکر می‌کنم.»	اسم حروف مشابهه بالفعل
شكراً على أعمالك في الدنيا! «به خاطر کارهایت در دنیا متشکرم»	كان عمل أبي في الدنيا شكراً! «کار پدرم در دنیا شکر بود.»	خبر افعال ناقصه
أمنتُ بالله إيماناً. «به خداوند قطعاً ایمان آوردم.»	أنت أكثرُ مني إيماناً بالله. «ایمان تو به خداوند از من بیشتر است.»	تمییز

دقت کنید که مفعول مطلق مصدر است و **مصدرها جامد هستند** پس اگر در گزینه ها کلمه‌ی مشتق باشد اشتباه است. ضمناً گاهی برخی از کلمات **جانشین مفعول مطلق** می شوند.

مثلاً: «أذكر الله كثيراً» درواقع در این جمله به صورت «أذكر الله ذكراً كثيراً» بوده است و کلمه «ذكراً» که مفعول مطلق نوعی بوده به علت کثرت استفاده حذف گردیده اما صفت آن باقی مانده است پس «كثيراً» جانشین مفعول

مطلق است.

این قضیه بیشتر برای صفت هایی مثل: كثيراً، قليلاً، شديداً و... اتفاق می افتد.



جمع بندی مفعول مطلق

قطعاً، حتماً	إجتهداً	مفعول مطلق تأکیدی: مصدر منصوب ، هم خانواده فعل بعد از فعل و به تنهایی
به نیکی، بسیار	إجتهداً بالغاً	مفعول مطلق نوعی: مصدر منصوب ، هم خانواده فعل بعد از فعل ، به همراه صفت (یا جمله وصفیه)
مانند، همچون	إجتهداً العالم	مفعول مطلق نوعی: مصدر منصوب ، هم خانواده فعل ، بعد از فعل به همراه مضاف الیه

لیست حفظی (مصدر منصوب) به همراه فعل محذوف

اول جمله: شکرًا، حمدًا...
 به شرطی که نقش دیگری نداشته باشند.

آخر جمله: حتماً، حقاً، جداً

لیست حفظیات کاربردی و مهم برای مفعول مطلق

- فعل های یک مفعولی و دو مفعولی
- ظرف های زمان و مکان
- جدول ثلاثی مزید
- مفعول های مطلق برای فعل محذوف

تمرین‌های تشریحی مفعول مطلق

أخبرنا القرآن عن ظاهرة ظلمة البحر إخباراً عجباً.

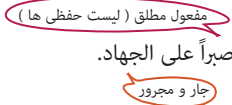
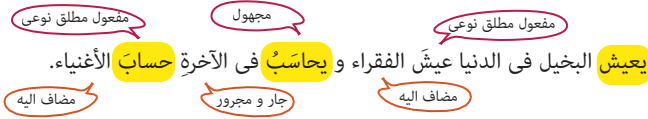
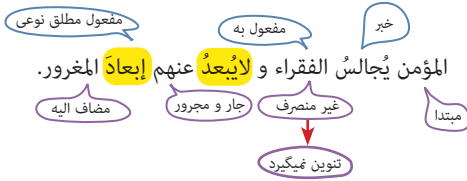
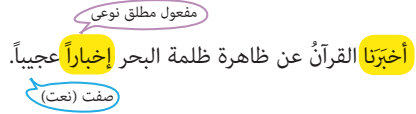
أذكروا نعمة الله ذكراً كثيراً.

البر أن تعمل في السر عمل العلانية!

المؤمن يجالس الفقراء ولا يُبعد عنهم إبعاداً المغرور.

يعيش البخيل في الدنيا عيش الفقراء و يحاسب في الآخرة حساب الأغنياء.

صبراً على الجهاد.



هو أخوك حقاً.

أنظر في الامور نظرةً دقيقةً.

سبحان الذي له ملك السماوات و الأرض .

نحن نحاول أن نتلو القرآن تلاوةً حسنةً.

من يطعم الله و رسوله فقد فاز فوزاً عظيماً.

سبحان الله الذي خلق كل هذا الجمال.

فعل امر (فاعل : انت مستتر)
 مفعول مطلق نوعی
أنظر في الامور **نظرةً** دقيقةً.
 جار و مجرور
 صفت

مبتدا و محلاً مرفوع
 مفعول مطلق (ليست حفظي ها)
 هو أخوك حقاً.
 خبر و نيبأ مرفوع

مفعول مطلق نوعی
 مفعول به و منصوب
 نحن **نحاول** أن **نتلو** القرآن **تلاوةً** حسنةً
 مضارع منصوب (اعراب ظاهري اصلي)
 صفت

مفعول مطلق (ليست حفظي ها)
 سبحان الذي له ملك السماوات و الأرض

مفعول مطلق (ليست حفظي ها)
 مفعول به و منصوب
 تابع اسم اشاره
 سبحان الله الذي **خَلَقَ** كل هذا الجمال.
 مضاف اليه و محلاً مجرور

مفعول مطلق نوعی
 مفعول به و منصوب
 من يطالع الله و رسوله **فَقَدْ** **فازَ** فوزاً عظيمًا
 معتل اجوف
 صفت

مضاف اليه
 كل، جميع، بعض ، ظرف ها + اسم

ولدى ! شكراً لك، سوف أحتاجُ لمساعدتك غداً، أيضاً. شكرتُ معلمي و قلت لها: شكراً على إرشادك.

لاتنسَ عفواً تقدرُ عليه. جرحَ بعض المقاتلين في هذه العمليات جرحاً و لكنَّ معنوياتهم جيدة!

في الصباح الباكر عندما كنتُ في النوم دُقَّ باب البيت دقاً لا يوصف!

حاسب نفسك قبل أن تُحاسب حساباً تخاف منه العذاب!

مفعول مطلق (لیست حفظی ها)

شکرتُ معلمی و قلت لها: **شکراً** علی إرشادک.

مفعول مطلق
(لیست حفظی ها)

مفعول مطلق (لیست حفظی ها)

ولدی ! **شکراً** لک، سوف أحتاجُ لمساعدتک غداً، أيضاً .

مفعول فیه

منادای مضاف

اسم لکن
و نیاباً منصوب

مفعول مطلق تاکیدی

جار و مجرور

نائب فاعل

مفعول به

جُرِحَ بعض المقاتلین فی هذه العمليات **جرحاً** و لکنّ معنویاتهم جیده!

لاتنسَ **عفواً** تقدّرُ علیه.

حرف جدایی آور

خیر لکنّ
و مرفوع

تابع اسم اشاره
و مجرور

مضاف الیه
و نیاباً مجرور

اسم تکره

مفعول مطلق نوعی

مفعول فیه

جار و مجرور

فی الصباح الباكر عندما كنتُ فی النوم **دُقُّ** باب البيت **دقاً** لایوصف!

جمله وصفیه

مجهول

صفت

مفعول مطلق نوعی

حاسب نفسک قبل أن تُحاسبَ **حساباً** تخاف منه العذاب!

جمله وصفیه

اسم تکره

إنَّ عفواً من صديقى الحنون جميلٌ!

إبتسمت أُمى فى وجهى ابتساماً ففرحت من ذلك.

إنَّا أحسنَّا إلى المساكين إحسانَ الخالينَ

حاسب الناس حسابَ يداريهم فسبحانَ من لا يخفى عليه شىءٌ حقاً

لا يغفلُ الخالق عن إطعام المخلوق و إنما هو يغفل عن الخالق غفلة شديداً.

عليك أن تختبر مرارة المشاكل اختباراً كثيراً كى تذوق حلاوة النجاح جيداً.

مفعول مطلق **تاكیدی**
 مجرور به حرف جر
 و محلاً مجرور

إبتسمت أُمی فی وجهی **ابتساماً** ففرحت من ذلك.
 فاعل
 حرف جدایی آور

خبر إنَّ

إنَّ عفواً من صديقی الحنون جميلٌ!
 اسم إنَّ

مفعول مطلق
 مفعول مطلق
 مفعول مطلق **نوعی**

حاسب الناس **حساباً** يدايرهم ف**سبحاناً** من لا يخفى عليه شيءٌ حقاً
 اسم نكرة
 جمله وصفیه

مفعول مطلق **نوعی**
 خبر إنَّ

إنَّا أحسنًا إلى المساكين إحسانَ الخالينَ
 جار و مجرور
 مضاف اليه
 و نیاپا مجرور
 (ظاهري اصلي)
 إنَّ + نا
 اسم إنَّ

مفعول مطلق **نوعی**
 جار و مجرور

لا يغفلُ الخالق عن إطعام المخلوق و أمّا هو **يغفل** عن الخالق **غفلةً** شديداً.
 مضاف اليه
 صفت

مفعول مطلق **نوعی**
 مفعول مطلق (ليست حفظی ها)

عليك أن تختبر مرارة المشاكل **اختباراً** كثيراً كي تذوق حلاوة النجاح **جداً**.
 مضاف اليه
 مضاف منصوب
 مضاف منصوب
 صفت

طلبتُ عفواً من الله.

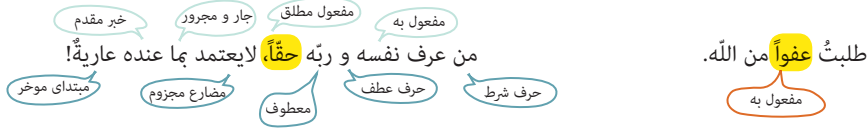
من عرف نفسه و ربه حقاً، لا يعتمد بما عنده عارياً

إنَّ للمجتمع حقاً كبيراً علينا دائماً.

لى طالبانِ تُرتلانِ القرآنِ ترتيلاً يوتّر في قلوبنا

هناك نظرةٌ خاصّةٌ للإنسان الصابر إلى العالم، تعطيه صبراً كثيراً؟

يُحسن المؤمن إلى الآخرين إحسان من يعلم عاقبة عمل الخير!



الهي! عفواً عن المذنبين.

تَدور عقرب الدقائق دورةً دائماً!

تلا القارئُ القرآنَ تلاوةً حسنةً!

إتبع ما يعجبك و لاتعسر علي نفسك تعسيراً!

ندعو الله أن يهبنا صبراً جميلاً عند المصائب!

مفعول مطلق **تأكيدی**
تَدور عقرب الدقائق **دورة** دائماً!
 مفعول فيه

مفعول مطلق (ليست حفظی ها)
الهی! عفواً عن المذنبین.
 جارو مجرور (اعراب فرعی)

مفعول مطلق **تأكيدی**
 إتبع ما يعجبك و لاتعسر علي نفسك **تعسیراً!**

مفعول مطلق **نوعی**
تلا القارئ القرآن **تلاوة** حسنة!
 صفت

مفعول به ١ مفعول مطلق
 صفت
 مضاف اليه
 ندعو الله أن يهبنا صبراً جميلاً عند المصائب!
 مفعول به ٢ مفعول به ١ دومفعولي
 مفعول فيه

يَهْتَمُّ الطالب بمطالعة دروسه ليلاً و نهاراً!

صبراً علي المصاعبِ و الآلامِ، أيهاء الطالب؟

إنَّ للمعلم حقاً عظيماً علي تلاميذه دائماً!

علينا أن نحترم الأولاد إحتراماً يأخذون منه درساً!

أفرغ قلبك من الحسد، ليبقي إيمانك بقاءً غير زائل!

لو عرفت خالقك معرفةً حقيقيَّةً، آمنت به إيمان المؤمنين!

صبراً علي المصاعبِ و الآلامِ، أيهاء الطالب؟

مفعول مطلق

منادای نکره مقصوده

تابع منادا و مرفوع

يَهْتَمُّ الطالب بمطالعة دروسه ليلاً و نهاراً!

مفعول فيه

معتوف

علينا أن نحترم الأولاد احتراماً يأخذون منه درساً!

مفعول مطلق نوعی

برما واجب است ، باید

اسم نکره

جمله وصفیه

إنَّ للمعلم حقاً عظيماً علي تلاميذه دائماً!

اسم مؤخر إن

مفعول فيه

غير منصرف

صفت

جار و مجرور

مفعول فيه

خبر مقدم

أفرغ قلبك من الحسد، لبيقي إيمانك بقاء غير زائل!

مفعول مطلق نوعی

مبتدا

مضاف اليه

لو عرفت خالقك معرفة حقيقية، أمنت به إيمان المؤمن!

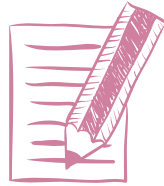
مفعول مطلق نوعی

صفت

مفعول مطلق نوعی

مضاف اليه و نيايا مجرور

یادداشت:



A series of horizontal dashed lines for writing, spanning the width of the page.

تست های مفعول مطلق

صورت سوال های مختلف درباره انواع مفعول مطلق:

هنگام پرسش از مفعول مطلق گاهی مستقیماً به خود عبارت مفعول مطلق و انواع آن یعنی تأکیدی و نوعی اشاره می شود ولی گاهی هنگام پرسش از مفعول مطلق نوعی می گوید کدام گزینه (کیفیت فعل) را بیان می کند یا بیان نمی کند.

باید دانست که شبیه این موضوع در مبحث حال کیفیت فاعل یا مفعول به یا مبتدا و نائب فاعل و... هم مطرح بوده و ممکن است با آن اشتباه شود در صورتیکه در مفعول مطلق نوعی کیفیت وقوع فعل مورد نظر است. در مفعول مطلق تأکیدی هم گاهی می گویند کدام گزینه وقوع فعل را تأکید می کند و یا اینکه مثلاً می گویند اگر در انجام وقوع یک فعل «شک» داشته و یا نداشته باشیم کدام گزینه را انتخاب می کنیم که در این موارد نیز باید مفعول مطلق تأکیدی را انتخاب کنیم.

کلمه «کیفیة» به معنای «چگونگی» و کلمه «کیف» به معنای «چگونه» در دو مبحث مطرح هستند:

۱- مفعول مطلق نوعی : اگر سوال از چگونگی و نوع انجام فعل باشد. علی به آرامی رفت.

۲- حال : اگر سوال از چگونگی حالت شخص باشد. علی خوشحال رفت.